



تأثیر تخیل و آرزو در رسیدن به اهدافمان چیست ؟

تخیل و آرزو

تخیل و آرزو همانگونه که قبلاً گفته شد، قرار است که ما هدف داشته باشیم چون انسان به هدف هایش می رسد ، اما به آرزوهایش نمی رسد ولی قرار است آنچه که می‌خواهیم به آن برسیم ، ابتدا آرزو کنیم و بعداً تخیل و تصور کنیم .

امروزه می دانیم وقتی که ما بخواهیم مغز ما برنامه‌ریزی کند یا کامپیوتر مغز ما به گونه‌ای حرکت کند که من و شما را به چیزی برساند ، یکی از بهترین و موثرترین کارها این است که شب قبل از خواب یک یا حداکثر ۲ دقیقه خود را در آن جایگاهی ببینیم که می‌خواهیم داشته باشیم و یا به جایی که می‌خواهیم برسیم .

یعنی اگر شما به دنبال این هستید که مدرکی از دانشگاهی بگیرید شب قبل از خواب یک یا دو دقیقه‌ای تجسم کنید که هم اکنون جشن فارغ التحصیلی است نام شما را می‌خوانند شما با آن لباس مشخص حرکت می‌کنید و می‌روید تا دانشنامه خود را بگیرید .

یا اگر انتظار دارید وزن مشخصی داشته باشید خودتان را در یک بدنی می‌بینید با لباس بسیار زیبایی که مایلی به یک مهمانی بروید و همان وزن و اندام را دارید ، که دوست دارید و می‌خواهید داشته باشید و این کار را دقیقاً باید صبح هم به مجرد بیداری انجام داد.



مطالعات نشان می دهد که مغز دستورات عمل کار خودش را می گیرد و هر زمان که برای درس خواندن یا نخواندن و خوردن یا نخوردن دودلی دارد آن جایی که ۴۰ به ۶۰ هستیم و یا حتی ۳۰ به ۷۰ با وجود اینکه ۷۰ درصد این است که درس نخوان ، ۷۰ درصد این است که غذا را بخور ، آن ۳۰ درصد می آید کنترل را به دست می گیرد و می گوید غذایی که اضافه است را نباید بخوریم و درسی را که باید بخوانی را بخوان و یا کار بدی را که میخواستی انجام بدهی ، انجام نده .

پس تصویرسازی و تخیل نقش فوق العاده ای دارد و آرزوی است که به تخیل و تصور رسیده و ما در ذهنمان آن را تجسم می کنیم و انجامش می دهیم و همانطور که گفته شد این حالت تغییر ذهن و مغز ما می باشد این دادن پیام یا برنامه برای رسیدن به هدفی به مغز است اما این قوانین جهان را عوض نمی کند رسیدن به آن دانشنامه و یا آن وزن من و شما باید تمام قواعد و قوانین طبیعت و محیط آموزشی را رعایت کنیم تا بتوانیم به آنجا برسیم .

قانون طبیعت به دلیل آرزو و خاص و یا تخیل من تغییر پیدا نمی کند ، اما درون بدن من برنامه ریزی دیگری می شود درست مثل فردی که انگیزه کافی و نیت کامل و یا باور و اعتقاد به خودش را برای گرفتن مدرک دکترا دارد ، در ما پیدا می شود و ما را به آن سمت می برد یا همان گونه که فردی توان این را دارد که رژیم غذایی



خود را حفظ کند و در نتیجه به هدفی که در این زمینه یعنی وزن ایده آل خود دارد برسد ما هم آن توان را پیدا میکنیم .



اما قوانین طبیعت درباره وزن یا گرفتن مدرک همچنان محکم و استوار سر جای خودش باقی است و به همین دلیل خواستن ، توانستن نیست خواستن داشتن نیست ، این افکار خطرناک است شما تقریباً در همه آدم‌های معتاد و بدبخت و ناموفق و گرفتار جهان آن را می بینید هنوز آدم معتاد دیده نشده که باور نداشته باشد خواستن ، توانستن است و چون باور دارم روزی که بخواهد ، می تواند خودش را از اعتیاد دور نگه دارد ، همچنان ۴۰ سال است که به اعتیاد خود ادامه می‌دهد . بنابراین باور به اینکه بابت به اینکه می‌توانم ، سبب می شود که فعلاً نخواهد.

در حالی که واقعیت مسئله این است که اگر به این نتیجه نرسد که نمی‌تواند و این کار مشکل است ، آن وقت است که قدمی برمی دارد و به همین علت در ۱۲ گام که نقش بسیار مهمی در رفع اعتیاد بسیاری از مردم داشته پذیرفتن این است که من چنین هستم و خودم به تنهایی از عهده حل این مسئله بر نمی‌آیم. این احتیاج را نه تنها به کمک دیگری و دیگران نیاز دارد بلکه باید در راهی برود تا بتواند نتایج مطلوب را به دست آورد و باید همیشه بپذیرد که چنین است به همین علت شما اگر به یکی از این جلسات تشریف ببرید می بینید که فردی بلند می شود می گوید من آدم الکلی هستم ، ولی ۴۰ سال است که لب به الکل نزد

چون در ۲۰ سالگی الکل می خورده همچنان خودش را الکی می داند و می داند که اگر فقط پا پیش بگذارد و یک بار دیگر الکل بخورد در معرض این خطری است که از پشت بامی که همیشه وحشت داشته دوباره می افتد ، و می داند که در این زمینه باید بعد از ۴۰ سال همچنان در این جلسات بیاید و همچنان خودش را الکی بداند و همچنان به این باور داشته باشد که باید مواظب و مراقب باشد و باز هم اینجاست. برای این که بیخودی در تخیلات و تصورات غیر واقع بینانه فرو نرود باید با خودش بگوید همین امروز ترک می کنم



به عبارتی اگر به یک الکی بگویید فردا الکل خوردن را ترک کند باید بگوید همین امروز ترک می کنم من فردا و بیخودی خودش را درگیر آینده نکند .
بنابراین ماجرای آرزو تخیل و تصور را باید در جایگاه خودش قرار داد نه آنگونه که افراد در ۱۴ ماه اول و یا ۳ تا ۶ سالگی آسیب دیده اند و این افراد فریبکار و دروغگو و حق بازی می شوند که واقعاً هم فریب خورده اند و هم فریب می دهند و نمی دانند و هم نمی فهمند همچنین جهان و طبیعت را بازیچه قواعد و قوانین ذهنی عجیب و غریب می دانند و به نیروهای عجیب و غریب که در طبیعت وجود ندارد و نیز به موجودات عجیب و غریب که در طبیعت نیست نیز باور دارند و آن وقت است که گرفتاری شروع میشود در حالی که هیچ دلیل و سندی جزء موارد کاملاً عجیب و غریبی که راهی برای اثبات و گردش نیست برای ادعای خودشان ندارند.

منبع : دکتر هلاکویی